

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشان

نامه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره

۴شنبه ۸ فروردین ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

آغاز سال نو

چند روز تعطیل سبزی شد.

امسال مراسم نوروز در تهران، در محیط آرامتر و با وضعی وضایعتر از اسال قبل برگزار شد.

برخلاف سال گذشته که جز المردکی و لال چیزی از قیافه ها استیضاط نشید، امسال مردم اندکی شاد بودند زیرا نزدیک شدن صلح و خانه بافتن - تک جهانگیر تاثیرات قابل ملاحظه ای در وضع بازار و تنزل اجناس داشته و از اینرو مردم امسال خود را بیشتر در راه میدهند.

مردم از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ هر روز در خیابانهای پایتخت برای دید و بازدید در استان واقوام در گردش بودند. کثرت وساطع نقلیه هم بنوبه خود یکی از موجهات خرسندی مردم بود.

تعطیل مجالس، ادارات دولتی و روزنامه ها مردم را چند روزی از فکر اخبار داخلی و خارجی و مجلس و دولت راحت گذارده بود. فقط آنان که برادری دسترسی داشتند از زبده اخبار مطلع بودند ولی از وضع دولت و تصمیم مجلس بجز اخباری که تاس لودیک داشتند دیگران با کنجکاری شن ملاحظاتی به اذیکدیگر استفسار مینمودند.

دید و بازدید دید اگر چه قسمت عده ای از وقت وزیران و کیلان را اشغال کرده بود ولی آنها بیکی، مباحثات پدوند و کار - چاق کنی اما بنده از فرصت کم هم برای بررسی نشایدن نظریات خود استفاده کرده از اقدامات خود دست برنداشته بودند. ولی با تمام این دردگی ها هنوز تصمیم مجلس و دولت بصورتی قطعی در نیامده است.

اکثر و کلاه این نظرها دارند که اکثریتی و اوموقتی حاصل خود و بکنفر را برای تخت وزیر کاندید کنند ولی نحوه عمل همان است که تا بحال بوده یعنی اگر اکثریتی هم حاصل شود برای چند روزی بیش نیست و قطعا در همان روزهای اول هم عده ای از و کلا باطن از کاندیدی جدید راضی نخواهند بود ولی ضامرا رای افتاه خواهند داد.

بهر حال در این شماره اول سال نو بخواهیم قضایا را با پاس و نامیدی آغاز کنیم از این جهت فقط بنا ب حفظ مصالح کشور مجلسیان را مخاطب قرار داده میگویم در این سال نو رویه اونی پیش گیرید و بازم تکرار میکنیم رویه ای را که سال گذشته بدان عمل کردید برای ملت و مملکت نتیجه ای جز ضرر نداشت بیاید و رویه خود را تغییر دهید، بیاید و نشان دهید که گوش شنوا دارید، بیاید و ثابت کنید که در این سال جدید گوشه چستی هم بسنکت دارید.

سال ۱۳۲۳ گذشت. خرابکار بهائی را که در نتیجه مسامحه شما و یا تمدا بدست شما برای این ملت فراهم شده بود تعدل شد و آلمم گذشت. مردم کام خود را بشیرینی عید شیرین گردنه و حلول سال جدید را بیکدیگر تبریک گفته و تلخ های اعمال و افکار شما را برای چند روزی فراموش کردند افلا نگذارید دوباره روزگاران تلخ تر خود بگذارید این شادمانی مختصر چند روز عید بهادمانی

بیانات اعلیحضرت همایونی

خطاب بملت ایران

به مناسبت آغاز سال نو

پایان آرزو شده میدهد وقت آن فرامیرسد که هرملتی بفرخورد مصیبت و ریس که تحمل کرده است پاداش طیبی و عادلانه آن نایل آید.

در طول مدتی که مملکت ما در جرگه متذوقین داخل گردیده و در اجرای مرام آنها که بپشرفت حریت و استقرار عدالت است ما نیز شرکت نموده ایم مصائب گوناگون بردفرد شما رسیده است.

من شخصاً بانه از هر یک از شما بلکه بانه از همه شما از این پیش آمدهای نا - گوار منالم و متاثر بوده و از مشقات هموسی آگاهی داشته ام.

بقیه در صفحه ۲

هم میهنان عزیزم، امسال بسیار - غوهوقتم که تبریک عید سدید نوروز را با اظهار امیدواری بمانده شما بدین گزافی هموسی توام میسازم برخلاف سال گذشته در این بازنده گیهای نافع و بسوقنی که دو تمام نقاط کشور، همه است آثر بهبودی و خوشی در وضع کشاورزی ظاهر و هویدا است میتوان انتظار داشت که سال جدید از سالهای خوب و مقرون برفاهیت و - آسایش محسوب خواهد شد.

همانطور که قدمات طبیعی از عزمی و هادایی بهار شکایت میکنند همانطور حوادث اخیر چنک جهانسوز لادیک بودن

همیشگی مبدل شود. در اولین جلسه ای که در سال نو تشکیل میدهند اولا حرف های اساسی بزنید و سعی کنید از این حرفها نتیجه بگیرید و نتیجه را برای مملکت بخواهید.

باز هم شکایت اهالی شهرستانها را که مثلا در ایام عید شیرینی کیباب بوده و پسا گران فروخته شده برخ مردم تشدید افلا سرساعت حاضر شوید مسته ای اساسی پیش بکشید و در اطراف آن بی فرضانه صحبت کنید و در جلسه اول قدمی بردارید و بپر دم نشان دهید که در این سال جدید هشام بارویه جدیدی مقدرات کشور را در دست گرفته اید.

بجای مبارکباد گفتن بخود و هم میهنان و بجای تقاضا و استدعای مساعدت و شادمانی از درگاه حضرت احدیت برای ملت و مملکت، تکلیف دولت را مهن لیدید اگر بیات بدست و بدرد نیخورد تصمیم بگیرید و کلکش را بکنید. اگر شخص هوپی را در نظر گرفته اید بیاورید اگر کسی را حقا نالایق میدانید بی سلاحظه بکویید و دستش را از کار کوتاه کنید و بالاخره تصمیم بگیرید و در جلسه اول سال نو مسئولی حقیقی برای کارهای این مملکت تعیین کنید.

از اغظارهای نظامنامه ای و بعت از اطراف چیزهای بی سروته که کیه سیستم کانتشیراتی های ادارات دولتی است احترام کبند. در موضوعی که بحث میکنید ای قدر حاضیه نروید، مطلب را مفید و مختصر بگردید، اتفاق شویذ با قانع کنید، خلاصه مجلس را دیگر تفریحگاه و مهن بازن زلف کلنک قرار ندهید.

پس از چند روز تعطیل که عده ای از شما برای استنشاق هوای لطیف و ازادتری از تهران خارج شده اید و بقیه هم از هوای مسوم چهار دیوار مجلس چند روزی راحت بوده اید و تجدید قوا نموده اید امیدواریم دیگر تصمیم بکنار گرفته باشید.

مردم چند روزی از اخبار مجلس چیزی نشنیده و نخواهند اند، علاقه مغرطی دارند که زودتر از فرمایشات شما در مجلس مستعضر و متنبش گردند سعی کنید این جلسه، جلسه آبرومند و تاریخی باشد و پس از یکسال و چندین دور مجلس روزی تصمیمی قطعی گرفته شده باشد آنوقت خواهید دید مردم هم با گذشتن و از گذشته های شما باز هم میگردند و شما احترام خواهند گذاشت. تا از این جلسه مجلس چه بدر آید.

بیانات اعلی حضرت همایونی

بشنوید و در هر مرتبه مقامی که هسته آن را بکار بست و در پیرامون خود تبلیغ نماید.

اوضاع جهان در سال چند صد مسورت خاصی خواهد گرفت آینده ملل در وهن تر خواهد شد اصل در واقع مسائل اهمیت فراوانی است زیرا که اندام جنگ ملی را از تنگنای موانع بردر هائی خواهد بخشید و تنازع اقتصادی پیش خواهد آمد در این مرحله است که اقوام جهان پیست رهد و لیاقت خود بتواند حقوق خویش را حفظ کند و از برای جبهه ای که در دستش نه تنها عقل انسانی بلکه خرات حیوانی نیز ایجاد میکند که در چند موانعی هر کرمی دست از اختلالات داخلی برداشته در کمال یگانگی مراقب آینده باشند و با نشان دادن عقل سلیم و اتفاق تام شایستگی خود را برای تسبیح مرحله ارزانیانند.

تاریخ بر افتخار و می قطع ماشان میباشد که ملت ایران در طول عهد دراز خود با بسیاری از افوار بحرانی و تحطیر مواجه شده و در هر مورد دستبردار از این خاکستر مهالک و هلاکت روزگار زنده و جوان و نیرومند بیرون آمده است.

از اینرو من نهایت امیدواری را دارم همانطور که در هر لحاظ اواده مایه این سال او چیزهای کهنه را از خود دور می کند و مسجبات مختلف یز گرد و نظایر اختلاف را از آینه دل بزداشته و چون در کشوری که دارای حکومت ملی مردم غیر خواه مانی برای اجرای لیاقت است نه غرضانه داشت نظر بصالح عالی ملت باشد احتراز کرده متوجه باشنده که تمامیت و استقلال و رفاه عمومی کشور بالاتر از هر نظر خصوصی و مرام محدودی است تنها ضمن سعادت هما اتفاق و اتحاد است و باینروی از قوانین کفورت و تقویت از مقررات دولت و سعی در ترقی و آبادانی مسالکت باید ثابت نماید که خون پاکان با همت هنوز در رگ های شاهان دارد و مشکلات و ناملایمات روزگار ریشه در ارکان نهاد ملی هما وارد نخواهد آورد.

در این سرزمین مستعد و ثروت منعی که برات گرایشهای پیشینان ما وامانت آیدگان است میتوان از همه منابع طبیعی استفاده نمود و برای جمع افراد کارمابه اشتغال تهیه کرد و در سایه هدالت اجناسی بهداشت و فرهنگ و مسکن و حداقل همیشه را برای عموم افراد ملت تامین نمود درهما فقر و درماندگی را از خود دور کرده و از رفاه و سعادت که حق هر ملت است و نمائی است بهره مند گردید.

۹۸ از صله ۱

بر من پوشیده بود که معروضیت از لوازم نیست و مواجه هدن با نقطه و غلا تا چه حد شمارا دچار خردان و تالم نموده است بچشم خود میدیدم که برفشای جابت که از عصا بر برینه این ملت است راحت هوسان خود را بر آسایش مویش تراخ می دهد و هیچ فرد و جاباتی از شما با وجود این همه مشاغل اعتدال در پشرفت نموده عالی متعلقین ابراز مستی و اظهار نویدی نگردید و بل بی وزی را تا پایان راه بر دوش صبر و استقامت خود نگه داشتید. ارا از این صفت عالی که موجب نهر هر که از ایرانیان بوده و هست در ضمن من تا نیری هفتی میناید زیرا که من بیستم تصاح صیقله را که هر سال در برابرین دستگاه بناسیت هید نوروز بگوش شما رسانیده و شمارا بیابادی و شکیبانی و اعتدال بپروزی و تقیبه حق دعوت میکردم کلا بطواع اجرا گذشته اید اینک مقدمات صلح تعیین سر نشسته مل و دول جهان طرح ریزی شده و بزودی هر کشوری بپیزان گوش خود از ثمرات صلح بهره مند خواهد شد و یقین است که ایران عزیز ما نیز در همه احوال شریک و سهیم دوستان خود خواهد بود.

لیکن در اینجا یک نکته است که لازم میدانم ملت عزیز را بآن متوجه سازم هر قدر محیط آینده جهان مساعد و حس حکمرانی فائمه میدانهای چته نوی باشد باز سعادت تمامی مردم بسته بقیستکی و استعدادی است که از خود بروز دهند و بالاترین نشانه این لیاقت اتحاد و وظیفه فتاشی است.

در کشوری که از است حکومت - هو کراسی بر خوددار است همه افراد بقدر مرتبه و استعدادی که دارند مشول اعمال خود در برابر سایرین شناخته می شوند قانون کسی را اجازه نداده است که از زیر بار تکلیف و وظیفه ملی هانه خالی کند بنابراین هر قومی که افرادش بیوت رسانند که خواهان هدالت اجتماعی و آگاه از وظایف حکمرانی هستند خود را شایسته ترقی معرفی نموده است و چنین جاهت حق دارد که در مجمع ملل مشرقی مقامی را که مناسب شرافت تاریخی اوست حاصل گردد کلومندان حکومت دموکراسی که مسئولیت دستگاه این حکومت را بر عهده گرفته اند باید فراموش نکنند که وظیفه آنها چه قدر خطیر و مهم است این وظیفه را باید با کمال دقت و امانت بپوشانند اجرا بگذرانند و الا نه تنها منظور اصلی ملت بمل نمی آید بلکه مسکن است امام آرزوهای ملی بحرومیت و لومیدی مبدل شود بنسای بر این من در این پیام نوروزی مخصوصاً از شما تقاضا دارم که اندرز های مشکافه ام را با دقت بیشتری

نطق آقای نخست وزیر

دربیر ابر رادیو تهران

هوطنان عزیز

آغاز سال نو را بسم هوطنان عزیز تبریک میگویم این هید بزرگ ملی هه ساله دوجیب را بطاطر ما ایرانیان می آورد یکی حسن انتخاب لیاکات با فراست ماست که این مواقع را بعنوان روز اول سال برگزیده و جشن گرفته اند زیرا دوست و هوهین همگام است که طبیعت نیز تمیزید حیات میکند و آثار جشن و سرور در آن نمایان می کند و بگر موره های پر افتخاری است که کشور ما شاهد آن بوده و در آن دوره ها بدان ما با جد و جلا می و منوی و بسا سرودی و زر گواری زیست کرده نام خود را در دفتر افتخارات بشر برای همیشه ثبت کرده اند.

این خطرها روح ما را نشاط میدهد و حس فرور ملی را در ما بر می انگیزد ما را ایت بآینده امیدوار می سازد. البته چنانکه همه میدانند مشکلات ما بسیار است و با وجود مجاهداتی که بخصوصاً در این چندده اخیر تحت توجیهان مخصوصه اعلی حضرت همایونی برای رفع یا تخفیف آنها بکار رفته و از بعضی از آنها نیز خوشبختانه زهای حاصل شده مملها هنوز در راه سعادت ملت و ترقی مسالکت موانع و مشکلات فراوان موجود میباشد که برای رفع آنها هست بلند و - لداکاری بسیار ضرورت دارد من بواسطه تاس مستقیم که با امور دارم و مشکلات را بهین از دیگران بینیتم و بر عظمت بعضی از آنها نیز متعرف هستم ولی بقضی میدانم که در این روز جشن با ذکر آنها غاطر هوطنان را فراهم سازم هین قدر اطمینان میدهم که این مشکلات هر قدر بزرگ باشد نمیتواند و تپایه ما را - دلر و المسرده و مایوس کند.

وطن ما بشهادت تاریخ دوره های بحران آمیزتر و سخت تری را گذرانده و در اثر نیروی خاصی که در این ملت بودیت است هواره از آن آزمون های گوناگون پیروز شده بیرون آمده است اگر بیاد داشته باشید هین معنی را من در حدود چهارماه پیش از یشت این دستگاه خاطر نشان ساخته و از هوطنان تقاضا کردم هیکه انومیدی و باسی را بخود راه نهند و یقین بدانند که از جهت هوش و ذکاوت و دیگر استعداد های ذاتی از اقوام نیرومند امروزی چیزی کم ندارند و بیروزی آنها بر ههاله سنگینا امری فطری و مسلم است

چیزی که تا اندازه موجب نگرانی گردیده تزلزل است که در ارکان اخلاقی یاره افراد ملاحظه میشود روح عصیان و بی انضباطی است که در بعضی افراد خود سالی میکند ولی باید دانست که این صفات نامعهود و بسیاری از خصوصیات نامطلوب دیگر اموری هستند عرضی و موقتی که در نتیجه سختی اوضاع نیست و بریشانی انکار که لازمه جنگ جهانی است بیده آمده و بیشک پس از استقرار صلح و بازگشت اوضاع هادی بتدریج از میان خواهد رفت در هین حال آنچه مایه امیدواری است این است که در بحبوحه این هرج و مرج اخلاقی حس وظیفه رستی بقوت و نیروی خود باقی است ههه افراد از هر دست و طبقه که باشند بکشمز فردوسی آنها را بهیجان می آورد و نام ایران آنها را تکان میدهد و معلوم است که همگی در راه عظمت آه برای هر گونه لداکاری حاضر و آماده هستند.

بسیاری از اشکالات دیگر ما پس از خانه جنگ خود به خود مرتفع خواهد شد و خوشبختانه بیشتر نفیث ایران در تمام جبهه های جنگ این خانه بیکار هالک بچرا نوبه میدهد. در حال تقریباً مسلم است که در سالی که امروز شروع میشود وقایع بسیار مهم روی خواهد داد و بی تردید سازمانی داده خواهد شد شامل مسئله بتواند در سایه صلح و سلم بترمیم خرابیهای گذشته برداخت از مزایای آزادی و استقلال مسکه بواسطه مجاور و تهاجم دول معور مورد تهاجم و واقعه بود و اینکه باینروی دول همه در صله ه

اخبار داخلی

آئین سلام

روز اول فروردین آئین سلام در پیشگاه اعلیحضرت مهابادی در کاخ گلستان انجام شد.

ارتقاء درجات افسران ارشد

آقایان افسران ارشد ذیل به درجه سرتیپی ارتقا یافتند.

- ۱- سرهنگ دکتر پارسا رئیس بیمارستان شماره ۱ ارتش
- ۲- سرهنگ نصرالله پاینده رئیس اداره مهندسی ارتش
- ۳- سرهنگ محمد مظهیری رئیس وگن چهار ستاد ارتش
- ۴- سرهنگ دابزشک علوی مقدم رئیس اداره اصلاح نژاد و پرورش اسب
- ۵- سرهنگ حسین خطایور بازرس ویژه وزارت چنگ
- ۶- سرهنگ درخشانی فرمانده لشکر ۳ تبریز

اعتقاع نشان و مدال

آقایان ذیل از طرف اعلیحضرت مهابادی به دریافت نشان و مدال مفضل شدند.

- ۱- آقای دکتر اسمعیل رودیان درجه اول هابون
- ۲- سرتیپ غلامحسین مقتدر معاون وزارت چنگ درجه دوم هابون
- ۳- عبدالحمید کازرونی رئیس انجمن شیریه ایرانیان مصر درجه ۴ هابون
- ۴- پاسدار قوامی رئیس شهربانی شیراز درجه ۴ هابون
- ۵- سرهنگ اداری مودب میرنضالی رئیس دفتر غیرنظامی وزارت چنگ درجه ۴ هابون
- ۶- دکتر خسرو پور مختار درجه ۵ تاج
- ۷- لطفعلی قوامی فرمانده ارتقا درجه ۵ هابون
- ۸- محمد حسین صنیع خاتم مدال درجه اول هابون

رئیس فرهنگ تهران

آقای دکتر احمد پارسا استاد دانش سرای عالی بر اساس اداره فرهنگ تهران انتعاض شدند.

ما و خوانندگان

ملکرائزات و نامه های متعددی از طرف خواننده ثان نامه کوهستان رسیده که از انتشار آن اظهار خوشحالی نموده ما را بدانه این خدمت تشویق کرده اند اسامی آقایانی که در این هفته اظهار سرمت نموده اند بطرح زیر میباشند:

از مهاباد آقای سپهبد محمد ازسنتج «سیدالدین شاه اویسی» «مظفر اردلان» «ستوان ارغنده رسولی» «شیخ اردلان»

از مهاباد «قصیری» «خلیل قناری قاضی» «زهرا نوره» «محمد فاتحی» «احسان قناری گلپای»

از سنتج «عباس آزادپور» «ازهدان» «غلامحسین اردلان» «ازسنتج» «ناصر آزادپور»

و در تمام کوهستان و مناطق غرب تا کنون قط بکنند و علائق خود را با اعاده روزنامه اعلام داشته است این هفتس آقای علی اشرف مشیر و زکری (الهرف لبت) ساکن سنندج است ایشان بطوریکه اصلاح داده اند بصلت گرفتاری بامور کشاورزی فرصتی برای مطالعه روزنامه ها بطور کلی نداشته و بدون اینکه نامه کوهستان را باز کنند از مندوجات آن مطلع گردند هر وقت داده اند ارسال مجدد روز نامه برای ایشان موقوف به تقاسا و اظهار ندامت از طرف ایشان خواهد بود.

فرماندار شهسوار

آقای افتخانی بازرس استان دوم بست فرماندهار شهرستان شهسوار منصوب گردیدند.

تزیینت

آقای سرهنگ صارمی فرمانده تزیینت مقر دوروز قبل بطرف محل ماموریت خود حرکت نموده.

بازگشت

آقای اخوان نماینده مجلس و رئیس هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس بین-المللی مفاصل در کشور های متحد آمریکا بطهران بازگشتند.

مخبرین ما

در شهرهای رضائیه - مهاباد - سقز - سنندج - بیجار همدان و کرمانشاه اگر کسانی داوطلب مخبری باشند ممکن است تقاضای خود را با تعیین اینکه آیا سابقه ای در این امر دارند یا نه به آدرس دفتر نامه کوهستان ارسال دارند

بیانات علیا حضرت ملکه

نوروز سعید را از صمیم قلب بهیگی شادباش و تهنیت میگویم امیدوارم سال نو برای مین عزیز و هم میهنان بانواع خیر و سعادت مقرون بوده و بانوان در این سال در انجام خدمات اجتماعی بیش از پیش فرین کامیابی گردند.

اخبار خارجه

درجه خاور

نیروهای مارهال مالپنوسکی در مجارستان جبهه دهن را شکست و بسق ۵۰ کیلومتر پیشرفت اند و استرگوم و دویت آبادی را تصرف کرده اند.

نیروی شوروی هفت هزار اسیر گرفت و دو پست و پنجاه تانک و توپ خود کار و بیش از سیصد توپ و غنایم بیش از دیگری بدست آورد.

به فرمان دیگر خطاب بارهال واسپلوسکی خبر بدفنده که در جنوب غربی کینگسبرگ در پروس شرقی شهر مستحکم هایلگن پای به تصرف ارتش سرخ در آمده و بیش از هفت هزار اسیر گرفت شده است.

در کنار رودون

تکه گاهی که ارتش مارهال و سگری در دست راست رودون به دست آورده است اکنون بطول چهل و هفت کیلومتر و بسق پانزده کیلومتر است قسمت هائی از ارتش دوم انگلیس با دولتشکریکه از راه هوا در قلب جبهه آلمانی پیاده شده بودند بهم پیوسته و ارتش دوم انگلیس و ارتش دوم آمریکا نیز در کنار رودون بهم پیوسته شده اند.

مراقبت دهن در بخش شمالی جبهه هدت میکنند.

نیروی انگلیس هنوز داخل ریس و مشغول ببرد هسته دولی شوروزل از اوچره نیروی دهن پاك شده است.

نیروی آمریکا در جنوب غربی وول نصبات «استهگوم» و «بیردوت» و «گردهش فله» ولیدن و «دینادا گر» را تصرف نمودند آلمانی ها در این ناحیه فقط يك فضای کوچکی را در مشرق کارلسروه افنل می نمایند.

هشارکت نیروی دریایی در عملیات رودون

نیرو های دریایی آمریکائی سنطور تشکیل تکیه گاههای جدید در رودون با آذوقه های آمریکائی همراهی و کله مر نایند.

مسافر میگوید که يك حملات مغلط بی نظیر در تاریخ لشکری جریان دارد.

این نخستین بار می باشد که آرتش زمینی برای ورود از بکروه ناوگان را بکنک خود طلبیده است.

وجود واحدهای دریایی در قاره اروپا يك مسئله کاملاً غیرعاده و سری بوده است.

کشتی های کوچک از قبیل کشتی های مخصوص پیاده گردن نیرو و وسایط ذلیله بطرفیت به تن و همچنین کشتی های مخصوص پیاده گردن نیروی مکابزه بطرفیت بیست و هشت تن از جدید ماه قبل در رودخانه های فرانسه و بلژیک مشغول مشق و تسلیم بوده اند.

اعتراض دولت اسپانیا

دولت اسپانیا روز جمعه با دداشت اعتراض آمیز علیه بی بدولت زاین فرستاده و نسبت بوخشیکری هائی که ز اینها در بازه اتباع اسپانیا مرتکب میفوند توضیحات خواست است.

هستر جرجیل از رودون گذشت

هستر جرجیل نخست وزیر انگلستان در بخش میدا، حمله ارتش هم آمریکا - وار کشتی کوچکی که مخصوص پیاده گردن نیرو بود از رودون گذشت مارشل برت گیری نیز همراه او بود نخست وزیر انگلستان سیاهان متفهمه را در این بخش که سی و هشت ساعت بیش در دست آلمانها بود بازده کرده

دستبردهای مسلحانه در کرمانشاه

متدهی در تمام مدت شب و در نقاط مختلفه شهر برقرار میسازد. دزدان که از اندام شهر ای مطاع میشوند احتیاطاً از دست نداده موقتا از تودیه دستبردار میگردند. در طول این مدت که شهر را در بر میگیرد، مأموران حفظ و حراست شهر میگردند و در حد کشف سارقین عمل میآید. بالاخره پس از دو سه هفته با اطلاعی که محرمانه دریافت میدارند موفق میشوند دستگیری بقی از سارقین در شهر صی کرده بلافاصله بازجویی شروع میشود. سارق ناچار جریان دستبردارها و محل چند نفری از عمدستان خود را اقرار میکند.

در این وقت چون برای یافتن سارقان بقیه بوده از تپ کرمانشاه تا خای کیک میگذرد و برخلاف انتظار که هیچگاه تجاسس و تهاجمات بین ادارات دولتی نیست بلافاصله از طرف تپ کرمانشاه یک دستگاه اتومبیل و چند نفر سرباز با سرپرستی یک نفر استوار بشهر برای اعزام میشود. از طرف آگاهی شهر برای هم بکنتر سرپاسان موسوم به بعد همراه گریه و چند نفر پاسان بهرامی سربازان اعزامی تپ برای دستگیری سارقین مأمور میشوند و بقریه جانگیر میروند ضمناً سمدوای هم را هم برای شناسایی اعیان مسروقه همراه میبرند.

بعضی ورود به غریبه امیرده قسمتی از اعیان را که در خانه یکی از سارقین بوده کشف و همین طری نام او دستگیری کرده خبر ورود مأمورین با پای پیاده نفری غرض میدهد که مردم را بر علیه مأمورین تحریک کنند ولی قبل از اینکه در اینجاهم قضیه تازه ای رخ دهد مأمورین دولتی از سر کین را هم دستگیر نموده فوراً مراجعت میکنند.

اگر آه بازی سرپرست مجال اف با رغبتی با همه ای سوار دینال مأمورین روان میشود تا شاید آنها را تعقیب نموده قضیه رامسکوت نگذارند ولی مأمورین بگفته های او وقتی نگذاشته وظیفه خود را انجام میدهند.

تحقیقات از طرف شش ماهه آگاهی تکمیل و کلیه سارقین تیراز سه نفر دستگیر میشوند.

این بود اطلاعی که از جریان این وقایع بنا رسیده حال اگر این مطالب با گذارها و اطلاعات اداره کل شهر بانی تعقیب میکنند جای آن دارد که از مأمورین وظیفه شناس قدر دانی شوهر بانه اعیان به آنان داده شود که معلوم دیگران هم باشد.

تقریباً در دو ماه قبل در کرمانشاه در فاصله چند شب سه دستبرد مسلحانه روی داد که جریان آن ذیل. بلا از نظر خوانندگان گرام خواهد گذشت:

تیر پنج نفر که به نفرشان مسلح و دو نفر دیگر بدون اسلحه بوده اجازه وارد منزل اسمعیل نام تارزن که مشرف به بیابان بوده بلارفته بکنفرشان صاحب خانه را تهدید بقتل نموده رئیسشان مشغول جمع آوری از تپه میکردند. در فاصله چند دقیقه از تپه ای را که قابل استفاده و مناسب بوده برداشته خارج میشوند. در این موقع صدای دویز که شبک نبودند هسایه ها و اطرافیان را متوجه حادثه ای در خانه اسمعیل نموده ولی وقتی مردم سر میزنند از سارقین نمی بینند.

در شب بعد در یکطرف دیگر شهر حادثه ای اتفاق می افتد. بگری رخ میدهد. دزدان مسلح بمنزل خاص سلطان نام آرایشگر میروند. همه ای از دیوار و همه ای پس از شکستن در کوچه داخل منزل می شوند. آتش تصادفا برادر خان سلطان خانه گروهی از عزیز نام داشته در صحن برای ملاقات خواهرش آمده بود و با همراهِ خواهر آتش را دو آن خانه میبندند. صدای پای سارقین گروهی از عزیز را بیدار نموده برای جلوگیری از سوء قصد دزدان بر میخیزد. در حالی که یکی از سارقین مسلح و با تفنگ میبکشد دیگران برای رهایی خدمت خود از چنگ گروهیان هوی بظرف او تیر اندازی می نمایند بیچاره از پای در میآید و پس از چند دقیقه هم جان می سپارد. خواهرش که این منظره را می بیند فریاد گنان بظرف همه برادر میدهد ولی یکی از دزدان بظرف قدره سر او را شکافته که هانجا می افتد. در اینجا هم یکجگدمان از تپه و دویز دیگری لوازم منزل را میبرند. هنگام خروج از منزل به همه ای سرباز که مأمور نگهبانی صیم بوده اند بر میخورند چند تیر و زود بدل میشود ولی دزدان بدون اینکه آسیبی به بینند موفق بفرار میشوند.

سه شب بعد دزدان که تمدد اهان به ۱۵ الی ۱۷ نفر رسیده بود باز از منطقه دیگر شهر وارد میشوند ابتدا به دویز دره که جی بر خورده آنها را حالت میکنند سپس بمنزل هاشم و عباس سعد ندی می روند ولی در اینجا در اثر تهدید موفق به برداشت سهمی از ان تپه آنها گشته بدون اینکه تلفات جانی وارد آورند فرار میکنند.

بروز این اتفاقات می دویز. در فاصله چند شب، آسایش مردم کرمانشاه را مختل نموده هم برای بست های نگهبانی

کنفرانس سانفرانسیسکو و نمایندگان ایران

روزی که انجمن سران سه دولت متفق در کربنه تشکیل شد و ماموران آزادی و طرفداران سعادت بشر برای استغلاص ملل رنج دیده و زجر کشیده گرد هم آمدند و در مسائل مهم سیاسی متفقا تصمیمات لازمه را اتخاذ کردند. نمایان با کتیل بی صبری در انتظار بودند که هر چه زودتر از نتیجه مذاکرات آگاه شده به سر نوشت خود واقف گردند.

تشکیل انجمن سانفرانسیسکو و دعوت از نمایندگان ملل مختلف موقع بسیار مناسبی بدست داد تا دول بوسیله نمایندگان اعزامی خود از حقوق حقه خویش دفاع نمایند.

موضوع نین نمایندگان ایران در این انجمن مورد بحث و محبت صوف روشنگران و کلمه جرابد شد و هر یک به سهم خود موضوع را آنچه لازم بود تذکر دادند و توجه دولت را به تمییز نمایندگان شایسته و لایق معطوف داشتند همه مردم خصوصاً طبقه روشن فکر که بیشتر باین موضوع علاقمند بودند در انتظار تصمیم دولت نشستند تا به بینند چه کسانی را بنام نمایندگی ۱۵ ملیون ایرانی انتخاب خواهد کرد.

پیشنهاد دولت باقای پیرنیا اولیه قدم اصلاح طلبانه ای بود که از طرف دولت بپای برداشته شد ولی متأسفانه آقای پیرنیا دعوت هیئت دولت را بپذیرفت به بهانه کسالت و گرفتاری شخصی این مأموریت را رد کردند.

جای بسی پاس و ناامیدی است که ایران فرزندان چون پیرنیا در دامن خود پروراند ولی دو موقع میداد اینان شاه از زیر بار کار و خدمت خالی کنند. انتظار همه این بود که فرزندان صالح این آب و خاک در راه استغلاص ایران مجدانه قدم بردارند، جان فدا کنند و مرغزار بزمرد ایران را باغون پاک بوش آغشته و شاداب سازند و در سایه فدکاری و از غوغ کدشتکی عظمت قهرمان ایران را باز ستانند.

در این چند سال اخیر که بیچارگی و بدبختی ملت ایران بنظیر درجه رسید و عظمت و سعادت ایران در خطر بود ملت ایران تقصیر داد که عنصر لئال و صالحی چون پیرنیا لیاقت آنرا دارد که گشتی ککشته ایچ ملت را بساحل نجات برساند. بعنوان زمامت مجلس، نخست وزیری و معاونین دیگر ایشان را دعوت کردند و هر یک را بنحوی رد کردند. مجال ملت مستند به وساکت بی سرپرست که بهست و بازی امثال پیرنیا چشم دوخته بود توجیهی نتواند. در موقعی که بنایستی برای تسأین سعادت و استقلال ایران ابراز همت و از خود کدشتکی کنند از قبول ایجاب چنین خدمتی سرباز زدند. ایران انتظار نداشت که یکی از فرزندان لایش از او روی برگرداند.

روشنگران میخواستند که آقای پیرنیا در این امر حرکت کنند و باین طریقه که خود را برای فدکاری و تسأین سعادت ملت آماده نموده اند درس وطن پرستی دهند ولی افسوس ایشان در این موقع خطیر بیاری مبین نیامدند و همچنان انزوا گریدند.

حال که این امید از شخص جناب آقای موثن الملک قطع گردید روی سخن با هیئتی است که برهاست آقای انتظام در این کنفرانس شرکت خواهد نمود.

آقایان در این موقع که ارزش رسالت هر ملت و درجه فدکاری او در این کنفرانس مورد توجه قرار میگیرد ایرانیان انتظار دارند که نمایندگان گشتی هازا بگویند و اهمیت ایران و خدمانی را که در راه پیروزی متفقین انجام داده گوشه نمایند چه ایران در راه همکاری با متفقین آنچه را که در اختیار داشت در طریقه اخلاص بهانه تقسیم متفقین کرد خود با گرسنگی برهنگی و بیچارگی در انتظار چنین روزی نشست.

حال ایرانیان میخواهند که نمایندگان آنها سده ای از افراد فدکار و با همتی باشند که فقط متوجه مصالح ایران و منافع افراد ایرانی بوده تحت تأثیر هیچ امری واقع نشوند، استقلال واقعی و سعادت ایران را در نظر گرفته و در راه تحصیل آن مردانه مجاهدت کنند.

مقام آقای محمد حسن آصف وزیری دانشجوی دانشکده حقوق

کرد و کردستان

مذهب قدیم کردها و آداب ایشان
 آئین و آداب کردها در ترون اولیه یعنی پیش از تفرق و مهاجرت با ما کن کنونی خیلی تاریک است و نامعلوم. اما پس از ورود با ما کن کنونی از آثار و علائم چنان استنباط میشود که آهورا پرست بوده اند یعنی روشنائی پرست که روشنائی را دوست داشته اند و از تاریکی دلننگ و ترسان بوده اند.

در کوهها دهن کرده اند علف و نکاح در بین آنها نبوده فقط نرانی زن و مرد و تصویب پدر باریس خانواده طرفین برای انجام از دواج کافی بوده است تعدد زن در میان اگراد متوع نبوده است.

اما زنا و لواط سخت متوع بوده است زنان از مردان رو لکرته اند و خثران تا موقع بلوغ خلوار یا نکرده اند سائر هورت آنها فقط یک پیراهن بلند بوده است پسران هم تا سن بلوغ کمر بسته اند کردها با ما کوچری و مردان بوده اند گله وحش زیاد داشته اند در هر جاها حرکت کرده اند گرمسور سردسور و فراهی و مابل بکوت در یکجا نبوده اند زنگاهای خود را بوسیله گله داری و میره های جنگلی و خورا کهای طبیعی تامین کرده اند ثروت آنها عبارت بوده از گاو و گوسفند و اسب و مایه بان و بز و مرغ و کبک و حیوانات و امثال آن. که بطور کلی تابع زنده گانی طبیعی بوده اند اخیراً هم گله شکار شین شده اند بزراعت و فلاحات و طریقی ناک و درخت برداشته اند.

حکومت هر خانواده با پدر بزرگ آن خانواده بوده است بعد رؤسای قبایل هم در حل و فصل قضایای مسیه مراجع امور بوده اند.

اگر گاهی هم تحت سلطه و اقتدار یک سلطانی در آمده اند فقط رؤسای قبایل طرف مراجعات سلطان بوده اند آنها در امور سیاسی و دولتی از قبیل جنگ و صلح و خراج و لشکر و امثال آن

در سایر تضای داخلی کلبتازام اختیار در دست رؤسای قبایل و پیش سفیدان بوده است ریش سفیدان هم همانعل شور و سوا بوده و در هر مورد دارای رای بوده اند. باینول چند آن آشنا بوده اند معاملات ملکی بچوپه درین آنها نبوده است. احتیاجات خود را فقط بوسیله مبادله جنس جنس بر گذار کرده اند بوسیله مهمانی هم بیکدیگر از اخوراکه های خود خورائیده اند و بهین رویه سب روح (مهمان داری) و (مهمان لوالی) دو اگراد شده است که حالاهم این رویه در اگراد ستان باقی و مطلوب است عبادت و پرستش هورمزد به بزرگان خانواده ها اختصاص داشته و آنان را پیر گفته اند. سایرین از زحمت پرستش و عبادت معاف و راحت بوده اند کم کم پیرا هورمزد پرستی را آلوده به «سحر» و «شمنه» و «جادوگری» و خرافات و اکاذیب نموده اند. تا در قرن هفتم میلادی ۶۶۰ زردشت انجیر که یکی از هوشندان کرد بوده در ارومیه رطابه کنونی قیام نموده و خواست آن مفسد و خرافات و باطلیل را بر داره پیران برهد او بر خاسته اند او را تکلیف کرده اند ناچار به (بلخ) رفتند و آنجا هورمزد پرست

(آهورا) لفظی است مرکب از آهور یعنی آتش که حالاهم در اورامان آتش را (آور) یا (آهر) میگویند (آ) یعنی آمده یعنی حقیقتی که از آتش آمده مانند کلمه «خدا» که مرکب از «خود» و «آ» یعنی خود آمده است. و متعود از آن حقیقت هم روشنائی است که آرا «شینه» و بالاخره «شیدشیدان» لفظ اند که بر روی «نورالانوار» میگویند و آرا پرورنده کائنات دانسته اند (الله نور السموات و الارض) کم کم ملامتوانانی هم بار داده اند. (آهورا مزد) گفته اند یعنی پرورنده توانا که مزد یعنی توانا و زورمند است و حالا «هورمزد» یا «هورمز» میگویند شاید کلمه ست هم تحریف مزد باشد.

خلاصه کردها «آتش» را که مظهر آن «بلیت نامبره» است «یعنی روشنائی» مقدس دانسته اند و آنرا پرستش کرده اند چنانکه هردوت هم میگوید «منها یک قبیل از قبایل ششگانه ماد بوده اند». آفتاب را هم که «هور» و «خور» و «هورخش» و «هورشید» و «خورشید» میگویند. بهین مناسبت است یعنی مظهر روشنائی است بنابراین آرا مقدس دانسته اند و پرستش کرده اند باینجهت کردها را خورشید پرست نیز گفته اند تاریخ کلیبیای هفتم صلحه ۳۰۱ «هور» هم صلح هزده که یعنی مسوق است «آهورا» یعنی عاشق هردو از کلمه آهورا به الف اشتقاق یافته اند که مانند تشبه و اشاره شعراء هم واقع شده است - «آتش عشق است کاندلنی فتاد»

بالاخره از علائم و آثار تاریخی روشن شده است که کردها بلکه پارسیها هم از مهاجرت و رود دیا ما کن کنونی یا آتش و آفتاب و ماه و ستارگان و آب و باد و سیزه و بزبان و اهریمن سروکار داشته اند. و تاریکی را مظهر اهریمن دانسته اند و برای انواع ظالم یا آغاز نبوده اند و مرکب را که سبب قطع رسته نسل است از اهریمن دانسته اند مرده را اول دفن نمیکرده اند بالای سنگها یا جاهای مرتفع گذاشته اند تا سرمان و جانوران آنرا بخورند که دوباره جو چوسه جاننداران بشود بعدها این باسارا نسرک گرفته اند و مرده را میان غمره گذاشته

نطق آقای نخست وزیر

بقیه از صفحه ۱

آزاد بخواه برای همه تامین میشود برخوردار گردند. البته برای استفاده از موقع و نانسکه اعلی حضرت هایدون شاهنشاهی شب گذشته در ضعیق بیانات نمود خطاب بملت فرمودند ما باید بیش از پیش از اعتراض خصوصاً چشم بیوشیم و منافع عمومی و مصالح عالی کشور را منظور نظر قرار داده دست و حدت و مودت بسوی بیکدیگر دراز کنیم فقط در این صورت و باین شرط است که کسانی که زمام امور کشور را در دست دارند میتوانند بانجام خدمات شایان لائق شوند و ایران هم میتواند یکی از دول متفق که در حصول برتری نقش بزرگی بازی کرده است موفق خواهد شد بوسیله نمایندگان خود در کنفرانسهای بین المللی و در طرح ریزی سازمانهایی که برای آینده جهان داده میشود بطور موثر شرکت نموده در تامین سعادت ملت ایران و سایر ملل گیتی ذخیل و سهم باشد.

در خانه امیدوارم همانطور که امروز سال نو آغاز میشود و طبیعت زندگی از سر میگردد ما هم در تحت لواء شاهنشاه معظم خود زندگی نوینی را شروع نموده بتوانیم با فعالیتی روز افزون بر مشکلات فائق آمده راه ترقی و تنالی بیابیم و آسایش و رفاهی که پس از چندین سال سختی و محرومیت شایسته آن هستیم برای خود تامین نسیم.

بشارت باهالی معترمان سفندج

محترمان دولتی مقدمه باطلاع هم مهبشان گرامی میرساند که از چندی پیش با بل سجاهد و کوشش اوق العاده و صرف جان و مال شروع جمع آوری بسیاری کتب نموده و تدبیر بر آن کرده که بنگاهی در شهر سفندج جهت توزیع افکار و تهذیب اخلاق عمومی تشکیل داده مشغول انجام وظایف گردد و چون در این راه امید موفقیت نرفت این است که تعداد چهارصد و پنجاه جلد از بهترین رمانهای ادبی، انتقادی، عشقی، تاریخی، سیاسی، جنائی، جاسوسی، پلیسی، فکاهی، حساسی و فاجعه را در معرض فروش قرار داده است طالبین بقوی بعد سه صد بر نهایی مراجعه فرمایند.

سفندج محمد سعید پربانی

مردم نموده است. سپس در بیستان هم تبلیغات خود را استحکام داده و به ارومیه مراجعت کرده است و در آنجا بدون مانع باشاهه انکار خود و تحکیم آئین هورمزد پرستی بی آرایش پرداخته است اکثر محققین مادی بودن زردشت اخیر را تصدیق کرده اند که از اگراد (مدیا) بوده است. یعنی کشور ماد کتاب اوستا را بزبان وطنی خود یعنی زبان مادی نوشته است.

مورخین در زردشت و تاریخ ظهور او اختلاف کرده اند آنچه متفق علیه جمهور مورخین است اینست که زردشت متعدد بوده است. اولین زردشت در بلخ ظهور نموده پس (پورشسپ) بوده است که هوشنگ باو گرویده است.

یعنی میگویند که او هوشنگ است که او را «آذر هوشنگ» نیز گفته اند. گفته خسرو پرویز که در شاهنامه مذکور است. معنی بر این روایت است که میگوید:

که مارا ز دین گهن تک نیست بگیتی به از دین هوشنگ نیست همه راه داد است و آئین مهر نظر گردن اندر شمار سپهر از زنه جز ورقی چند باقی نیست تاریخ ظهور دین زردشت تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد است اوج نبی در زمان او وفات یافته است زردشت دوم را (لرپدون) نوشته اند که برضعاک آزادی خروج کرد (تقریباً هوهزار و دو صد سال پیش از میلاد) اکثر مستشرقین عقیده خروج فریدون و کارو را برضعاک بلکه اصلاح و کارو و فریدون و ضعاک را جزو اساطیر تصور کرده اند در صورتی که ایشان (درفش کاربانی) بدست اسلام جای نموده است و مورد تصدیق تمام مورخین شرق و غرب و خود همان مستشرقین است.

کارخانه خون

طبق گزارش خبرگزاری شوروی آلمانها در بازداشتگاه سالیس یک موسسه حیثانه می به نام کارخانه خون تشکیل داده و هر روز از این بازداشتگاه صندوقهای محتوی شیشه های خون که از کودکان گرفته شده برای بیمارستانهای آلمان فرستاده شده است . در بازداشتگاه سالیس اسپران جنگی و اشخاص غیر نظامی از سکنه دره دینسترو اوکرائنی ویا هلند تشریف یافته بود در آنجا پس از آنکه خون این اشخاص گرفته میشد آنها را تیرباران میکردند و با گاز خفه مینمودند .

برای کودکان حجره های مخصوصی تشکیل یافته بود و اطفال میبایست روی زمین بخوابند . آلمانها این بازداشتگاه را به کارخانه خون تبدیل کرده و محصول آنرا در معرض معامله و خرید و فروش در آورده بودند . سازمان اداری این بازداشتگاه صلیب سرخ آلمان قراردادی منعقد داشته و طبق آن همه روزه چندین صندوق محتوی آمبولهای خون تازه کودکان برای بیمارستانهای آلمان میفرستاده و خونخواران فانیست به این کارخانه که روزی دوست لیتر خون بدست میآوردند فوق العده میبایدند هر روز صبح پزشک فاشیست با لباس سفید خود داخل حجره های کودکان میگردد و سر بزازان آلمانی هم به وی کمک میکردند . یک میز در وسط سالن گذاشته شده بود و هنگامی که سر بزاز مشغول جوشیدن سرنگها و ضد عفونی کردن آنها میشد کودکان از مشاهده این تدارکات بنای گریه و فریاد میگذاشتند و با دست چشپای خود را میپوشانیدند ولی صبح آنها بهیچوجه در آلمانها تأثیری نداشت . پزشک همواره مشغول تهیه آلات خود بود و سر بزازان هم فهرست اسامی کودکانی را که هفته یک بار میبایستی خون آنها گرفته شود قرائت کرده و لوحه ای حکه در گردن کودکان آویخته بود با اسامی مندرجه در فهرست معاینه کرده و اطفال را بحضور پزشک میبردند . کودکان که بگلی از بازار افتاده بودند بیش از پنج شش نوبت آب خونت گرفتن را نداشتند و لذا در هر حجره روزی ده یا پانزده کودک کتف میشدند .

میخوانند . سینه در اثر کثرت استعمال بصورت « سته » درآمد و بعد که برای صاف نگه داشتن آن از دست اشرار قلعه در آنجا بنا نهادند بنا نسبت همان قلعه کم سته ، مطلق به « سته دژ » تبدیل گردید و بعدها پس از سلطه اعراب « سته دژ » مرمر شده تدریجاً بنام سته ج مشهور گردید تا امروز که بهین اسم موسوم است ولی تا سال ۱۰۴۶ هجری شهر بر آن اطلاق میشد و در همان سال سالیس خان اردلان قلعه حکومتی را در بالای تپه طبیعی وسط شهر که بطور بنین قلعه قدیمی نیز در روی همان تپه بوده بنا کرده و آنجا را مقر حکومت خود قرار داد .

دوره و اهل فن سال بنهاد قلعه فوق و در واقع ناسپ شهر سته دژ ۱۰۴۶ هجری را بحساب آنچه (لهبا) نوشته اند و شاید بهین مناسبت است که وقتی من (و بطور کلی همه کس) در سته دژ، فرنگ و اوضاع اجتماعی و عمومی سته دژ و عدم توجه دولت بحال آن سامان مفکر میشوم خود را فردیائی از هم و اندوه میبایم .

فریدون مشیر وزیر دانشجوی حقوق نامه کوهستان - ضیق قدیر از ابراز علاقه نگارنده یاد فوق لازم است متذکر شویم که جناب آقای آبتاب سته دژ همانطور که در مقدمه « کرد و کردستان » نوشته اند خواسته اند بوسیله « کوهستان تاریخچه ای از نظر خوانندگان بکندراته و از ایشرو بنهضیل برداشته اند البته این نظرم پست کمی صلحاتی روزنامه بوده است و بس .

نامه های وارده

از مهاباد

شرح مفصلی از مهاباد با اداره روزنامه رسیده و انکار نه آن چگونگی واقعه اخیر آجارا بطور تفصیل نگاشته و اظهار داشته است که این نوسه فقط و فقط برای از میان بردن مدارک سوء استفاده از گوین ها بوده و دستهایی که هریک سوء استفاده حریف کرده اند و دستهایی که پای این عمل گشته اند و در آخر نامه خود اینطور نوشته:

متصدیان پس از انجام مقصود خود بگوه اورفته روح بازی و عاقبت و حیثیت خود را تساهل میکردند و بطنه عوام که در حکم گور و آیینانه و تابع سخن و احساسات آنها واقع شده بودند بخت بدی و سوابق و پرونده های جیره بندی باین طرز عمل و حیثیت و بوده و سوزانیده شد اهالی مین و مصالح مهاباد را برای همیشه از این نضیه جانگداز دادند و خود با اوتکاب و تابعی نوعی که مخالف نظرت بشری است به آرزوی خود تساهل شدند .

قطعه اهالی مهاباد از این واقعه جگر خراش فوق العاده متأثر و متأسف هستند .

از مهاباد

هر کسی با مسامحه ای عدم ای واصل شده و از اقدامات خیر خواهانه آنسای جعفر گریسی و دیگری ، فارغ النعمیل در استان مهاباد اظهار قدر دانی نموده اند و اظهار داشته اند که ایمان از ما مانند گانه متولین واقعه اخیر مهاباد بچونگی نبوده و از کینه های مسامحه ای نیز در بناره آنان دریغ نداشته اند .

از مهاباد

آقای علی بیرونی ضمن اظهار تحسنتی از انتشار نامه کوهستان میگوید: سوم منگ کرده از انتشار نامه کوهستان

بر حسن و طبع پرستی و دولت دوستی خود افزوده انتظار دارند که آن نامه پیش از پیش یکسخت حقایق و واقعاتی صریح خدمت هابانی بکافک پاک و مله نجیب ایران بنشاید .

از سنندج

آقای عبدالله محمدی شرح مفصلی بکتابه از طرز عمل مأمورین مالیات بر در آمد نموده اند . ما لازم میدانیم به مأمورین مالیات بر در آمد و متصدیان و روسای مسئول خاطر نشان کنیم که مأمور باید وظایف خود را صادقانه و طبق دستورات و مقررات انجام دهد دستورات و مقررات هم و بنا بمصالح کشور وضع شده نه برای استفاده های شخصی .

در این شماره بهین مضمر تذکر اکفای میبایست در صورتیکه تغییر رویه موسسی در عمل مأمورین معاهده نقد در هزاره های بند بین حکامات واره و از درج و جدا اشخاصی را که مزاحمت برای مردم، بنظور استفاده خود فراهم میسازند تملیب توأمیم نموده .

از سنندج

آقای فریدونی ضمن شرحی که از کلیات اوضاع کردستان بخصوص شهرستان سنندج نوشته اند اظهار داشت اند کجبه خرابکارها و متب مانند گمی های این شهرستان از عملیات ناروای مأمورین دولتی سرچشمه بگرد . ایشان ضمن مقاله خود مردم را به تشریح مسامی با یکدیگر و برانداختن این بازار آسود و آشفته دعوت نموده اند .

مانعتر ایشان را بسیار بیجا و صحیح میدانیم و منتقدیم که در نتیجه دفاع از حقوق مسلم خود و مبارزه با فساد جوانان و منع پرستان میتوان از این وضع فلاتک باوقفی نجات یافت .

آقای هکتر اردلان مدیر محترم روزنامه کوهستان

در شماره اول آن روزنامه در مقاله کرد و کردستان بقم آقای محمد مردوخ « آبتاب کردستانی » توضیح وجه تسمیه سنندج باختصار بر گذار شده و فقط مرقوم داشته اند اصل است (سته دژ) بوده چون این میبعت مورد توجه عموم بخصوص اهالی کردستان میباشد و مجموع شماره های روزنامه تا بهین مناسبتی از کردستان تشکیل خواهد داد البته هر قدر کامتر باشد بهتر است باین نظر وجه تسمیه سنندج را بطور چاشتر ذیلا مینگارد اهم خواننده گان نامه کوهستان دوست بروضوع آن می بیند و هم احتمالاً مورد توجه نویسنده محترم آقای آبتاب کردستانی قرار گیرد .

شهر سنندج که امروز مرکز فرمانداری کردستان ایران است همانطور که آقای آبتاب متذکر شده اند در دامنه پاسینه کوه « آوبدر » واقع شده و بهین جهت مدتها آرا بنام (سینه)

ماه عسل

ترجمه ش. ا.

۲

نامه کوهستان برای هیجکس مجاناً فرستاده
نمی‌شود روزنامه هائی که برای اشخاص ارسال
هیگردد یا بنابتقاضای خود آنها و یا بنا به معرفی
یکی از مشترکین هیباشد.

تمام شب رانم با ژرژ رقصیم و حتی یکدفعه هم باهنگ لرقصیدم
و هر دفعه که او را میدیدم خیلی رنگ پریده و غشباتک بنظر می‌آمد.
موقع رفتن ژرژ درخواست کرده که با اتومبیلش مرا بنزل
برساند. دینک از دینک من آمد و پرسید آیا عابلیه یا ژرژ بنزل بروید
من دینک را کنار گذاشتم. گفتم دینک آن جوانی که چشمت روز پیش
جریان ملاقاتش را برایت بیان کردم همین ژرژ است و خودت می‌دانی
که البته من ما با او بنزل بروم دینک درحالی که ایستاده غیر
هادق ازلباش آودار شد گفت البته بهتاری و بدون اینکه منتظر
جواب من بشود گفت شب بخیر ایشا، همیشه بنو خوش بگذرد.
سپس از ژرژ هم عذرا حاضی کرد و رفت من و ژرژ هم بطرف اتومبیل
روان شدیم.

از آن شب بیه بیشتر اوقات با ژرژ می‌گذرانیدم این موقع
فصل تابستان بود هر روز با او را با هم می‌وردیم عصرها با هم به‌شنا
میرفتیم و صبحها بسینما یا تئاتر رفته و یا نا تفریحات دیگر خود را
سرگرم می‌نمودیم پس از یکماه گردش و تفریح با ژرژ رفته و رفته مسیبت
بیشتری بین ما ایجاد شد، اغلب ساعات زندگی خود را با یکدیگر
می‌گذرانیدیم من میل داشتم پیش از این‌ها با او اردیک قوم و از این
رو از او خواهش کردم که مرا بوالدین خود معرفی کند. از این -
پیشنهاد من ژرژ بی‌نیابت خوشوقت شد و مرا برای فردای آرزو
بنزل خود دعوت نمود.

فردا نزدیک غروب به‌مراهم ژرژ بنزل او و صهار همیم
منزلش قسری بود باشکوه و در کنار دریاچه‌ای که ماه روز در
آن شنا می‌کردیم واقع شده بود دیوارهای قصر از مرمر ساخته شده
و گنبدی های زیادی در جلو دیده می‌شد در شنه‌ای سرو سر آسان
کشیده و آب دریاچه درحالیکه از توارهای بلوری منهددی چسبن
می‌دود هر دقیقه بوسه‌ها آوره‌های آوان رنگی در می‌آید.

من از دیدن این قصر و این مناظر در شکت بودم هر دم
کله‌مقصر خود را بنظر آورده با آن قصر باشکوه مقایسه می‌کردم
ما داخل سالون هدیم همه زه‌ادی از قابیل و دوستان ژرژ
پدر و مادرس جمع بودند. ژرژ مرا یک بله معرفی کرد. در این
میان دوشیزه‌ای که قیانه نوبه زیبایی داشت با نوبه‌ای همه بی‌ژرژ
گفت آه ای بی‌هم ژرژ تو این یک ماه که ما را از ملاقات خود محروم
کرده بودی با این خانم سرگرم بوده‌ای، معلوم است خیلی خوش
گذشته‌ی ژرژ بدون اینکه بگفته او احتیاط کند مشغول پذیرایی می‌مان
ها شد. ضمن پذیرایی من از ژرژ سؤال کردم منزلی که ما در آن‌جا
در آن زندگی خواهیم کرد کجا خواهد بود او مرا بسیار دیکری
راهنمای کرد و اطایه‌های مجلی را بین نشان داد و گفت: این جاست
سایا من از او تقاضا کردم آشیزخانه را هم بین نشان بدهد. او مرا
با آشیزخانه سفید و فشنکی هدایت کرد. من از دیدن آنجا فوق‌العاده
خرسند شدم زیرا آرزو داشتم که در چنین محلی برای شوهر و بچه
های خود غذا بپزم و رو با ژرژ کرده گفتم:

من با آرزوی خود رسیدم زیرا من همیشه آشیزخانه سفید و
فشنکی را در نظر خود مجسم می‌کردم که در آن بخت و بزرگتم. ژرژ
از شنیدن این کلمات تعجب کرده گفت چه منی دارد تو آشیزی کنی
پس آشیز چکاره است. حیف است دست‌های ظریف و فشنک تو با این
چیزها بچورد.

سایا دختر زیبایی بود که زندگی مسخری داشت
روزها در اداره‌ای کار می‌کرد یکی از روزها در راه
جوانی را دید و دل‌باخته او شد بدون اینکه با این جوان
صحبتی بکند با از نام و نغان او اطلاعی داشته باشد
تمام وقت را با خیال او می‌گذرانید. سایا دوستی داشت
بنام دینک که ارطوبت بنامم بزرگ شده بودند دینک
سایا را دوست میداشت و از جریان عشق جدید سایا
بجوان ناشناس نیز مستحضر شده بود. برای سرگرم -

نمودن سایا از او خواهش نمود که با هم برای تفریح به
میهانخانه‌ای بروند، سایا سرگدھے خود را بیان میکند
پس از اعطای چند دینک و وبال من آمد، با لافان بطرف -

میهانخانه روان هدیم و قشیکه به‌نزل رسیدیم جمیع زه‌ادی در آن
جا جمع بود موزیک مینواخت و هده‌ای در وسط سالن مشغول رقص
بودند.

در سایلیک من و دینک از به‌ما بالا میرفتیم ناگه بیهکی از
دوستان دینک بر خوردیم و مجبور هدیم قدری توقف کنیم تا آنها با
هم تمارفی بنمایند در این موقع که آنها مشغول صحبت بودند من به
اطراف سالن مینگریستم ناگه چشم چسان جوان اغناد دیدم او هم
بین نگاه میکند. در این لحظه دینک مرا صدا کرده گفت:

سایا از این راه برویم. اما من به‌رفش گوش نداده شما بطرف راسته
ایستاده بودم آن جوان را نگاه می‌کردم که بطرف ما می‌آمد هر لحظه
که او نزدیک‌تر میشد ضربان قلب من سریع‌تر می‌کشد چیزی نگذشت
حس کردم او به‌لوی من ایستاده است ناگه دینک پاسدای بسند
گفت: او دوست هر بزرگ ژرژ. دینک در حالیکه دست مرا گرفته بود
آن جوان را بین معرفی کرد و وقتیکه مرا هم با معرفی نمود و
اسم مرا گفت از شنیدن اسم من آن جوان خوش آمد و گفت این
اسم مرا به‌عاطره‌های هر چه می‌اندازد. در این اثنا موزیک مشغول
نواختن شد ژرژ مرا بر رقص دعوت نمود من هم با میل دعوت او را
پذیرفتم.

در هنگام رقص ژرژ گفت: آیا خواب می‌بینی یا خفته است
و قشیکه این کلمات را ادا کرد چندان آبی رنگش میدرخشید و غلبی
خوشحال بنظر می‌آمد سپس گفت مثل اینکه من شمارا قبلاً هم دیده‌ام
آیا این طور نیست؟ که من حرف او را مطلع کرده گفتم بلی من شمارا
کابلا به‌عاطره می‌آورم شما همان شخصی هدید که چند روز قبل از -
اتومبیل بلوطی رنگی بیاده‌دهید ژرژ هر جواب گفت بلی صحیح است
و من امشب شمارا با همان اتومبیل بنزلتان خواهم رسانید.

هنگام رقص ژرژ بین گفت چقدر شما خوشگلی و دل‌باختید
قلب من درحالی که می‌طبلد گفتم آیا این حادثه حساس هر وقت دختری
را می‌بیند این طور صحبت میکند؟ ولی در چنین گفتن حس کردم که
با او با هم ملرزید و صدایم هم قدری آرزان بود. ژرژ گفت لبه این
طور که شما می‌گویید نیست من کابلا حقیقت را می‌گویم شما اولین
دو به‌زده‌ای هستم که من حقیقت دوست می‌دارم. آن رقص تمام شده

ما تا کنون برای کسانی که می‌شناختیم

و علاقمند تشخیص میدادیم روزنامه فرستادیم

در صورتیکه آقایی که تا بحال روزنامه دریافت

داشته‌اند تا بحال با اشتراک نداشتند باید روزنامه‌های

دریافتی را تا آخر فروردین عودت دهند ضمناً

از مشترکین هم تقاضا میشود و جوه اشتراک را

هر چه زودتر ارسال فرمایند.

کوهستان

تشویق ادارۀ غله و نان

از مالکین و کشاورزان

میگویند چرا ملکات آیه نیشود و چرا کشاورزی توسعه نییابد ؟ اگر نگران ذلرا که از مهاباد رسیده مطالعه نماید یکی از علل آن بی خواهی برد

نگرانی :

خا خای مقدس بندگان اهل حضرت
هابونی هاشمیان اورا خانه ها
و نوشت مقام محترم بصورت وزیر
و نوشت حضرت آقای ابوالقاسم صدر
قاضی نیانده محترم مجلس خوراپلی
و نوشت نامه کوهستان از مادت شهرپور
ماه ۲۰ به مد که این شهرستان فانه
قوا، جریه و نامیده کرده بود و
این شهر نان با نعل هر گونه صنعت و
آلاباره خا خا خا خا خا خا خا خا
گونه پیش آمدنی مقاومت نموده و
بمشور تشریک مساعی بادولت همواره هم
خود را معسوف انجام سویت و اجراء
احکام دولت علیه نموده و خواسته اند در
تمام مراحل وظائف مرجوعه را علاوه
اینت رساله و سخنان خود را در انظار
اولیا محترم جلوه داده بلکه سر مشق امراء
سایر شهرستانهای کشور باشند و همواره
بانتظار و مراسم دولت امیدوار بوده ایم
ولی بر عکس انتظار مسوورین ادراست
توجه به این قسمت داشته سهل است که
از انجام خدمات تشویقی بیمل نیارده و
انتیای قابل نموده اند بدین تانک الله
وسائلی سری درضات و بیاس اهالی ان
سامان فراهم آورده و در تحت عنوان
مقررات حقوق مازا قابل نموده حتمه
لچار منجر بدش دار خواهی بقامت
عالیه کشور کرده به ارجحه مامله نیست
که ادارۀ انحصار نشاء وری با مالکین و
زارعین این شهرستان نموده

باعزم راسخ ناآنجاییکه مقهور بوده غله
نمیدی خود را باوسال مسکنه محلی به
ابارهای غله حمل نموده و نگرانی آن
اداره را از حیث غله مرتفع نمود ولی فعلا
آن اداره بنا بدستورات ادارۀ انحصار
کشاورزی مرکزی سهل است که تشویقات
از ازارعین نموده بلکه نسبت به کسانی که
بواسطه مد مسانت راه و تداختن رسال
حمل و نقل دوام بخشه شهرستان که مقاری
از غله نمیدی آنان تحله از ۱۶۶۶۶
به انبار نموده بر خلاف مد راب پیمان
منفذه بها از راه نموده سعی بدستاز
بهاره مرده ده لری بدستورانی بدستورانی
بنوان بازری کش برداشت نموده و از
این حیث خسارت هنگفتی متوجه چندین
شده معلوم است مالین نلالی که ادارۀ
غله نسبت به تمهیدین کرده و باسراجمه
پوزمیت اقتصادی کشور و بالارفتن سطح
زندگانی چه عکس العمل مالی و مضیقه برای
زارعین بیچاره پیش آمده که ناچار مبادرت
بخرش شده و از خاکبای همای ۲۳ ضای
و نغ نمیدی ادارۀ انحصار کشاورزی را
نموده امروز مقرر فرموده که برابر تمهید
نامجه رسمی که از طرف آن اداره و
تمهیدین بدون قید و شرطه شرایط و
نوعی راسخ به انشاء مدت نمولی در
بین انقض رسیده بدور استه من ۲۰
از بهاء غله تحریک داده را - نموده
آرا به انقض استرند نموده همواره موجبات
خرش تشکر و از دیاد دهگویی بقا عمر
سازک خواهد بود باینده شاه

زارعین شهرستان مهاباد -
لازم است تذکر دهیم که یکی از
وسائل تشویق مالک و زارع در ترویج و
بسط کشاورزی و تأمین احتیاجات کشور
این است که عادلانه با مردم رفتار شود
مقررات خشک و بی مبالغه و مقرراتی که
باوضیبه جنابالی محل آب و هوا
بعد مسالت و غیره متناسب باشد جز فراهم
بودن اشتکات گوناگون برای مردم و
ادارات دولتی جز دیگری نخواهد بود
واحرای این مقررات از طرف مسوورینی

برای اطلاع ستاد ارتش

سرتیب هوشمند افشار بجای اینکه اساحه
از دست راهزنان بگیرد میخواهد اسلحه های را
که دولت برای حفظ و حراست دهات بمالکین
داده و دارای جواز رسمی هستند جمع آوری کند
این عمل مثل این است که در شهر
پاسبانان را خلع سلاح نموده دزدان را بجان
مردم بیاندازند

باز هم میگویند فرمانده لشکر کردستان
بی تجربه است

انتظار داریم ستاد ارتش علت این عمل
را از سر ایپ هوشمند افشار توضیح خواسته
و تا هک میکه ایشان را از این پس برکنار می
کند از این عملیات نسنجیده او مدافعت نمایند

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالیانه ۳۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود و ادارۀ روزنامه در درج

با حق و اصلاح ۳۰۰۰ ریال آزاد است

محل ادارۀ : خیابان پهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ پیایشه

که برای کوچکترین تصبیم ناچار باشند از مرکز کسب دستور
کنند جز مزاحمت مردم و ایجاد باسروناامیدی و عدم اعتماد نتیجه
دیگری نخواهد داشت

از این جهت است که مانوجه ادارۀ غله و نان را بشکایت
وارده فوق جلب نموده انتظار داریم تنها این اشکال مقرراتی
را رفع نمایند بلکه دستورات جامعی در این زمینه ابو صادر کنند
که این گونه اشکالات برای سالهای چند هم فراهم نشود